

ملت یک اقدام

یاد یار مهربان

صفحه ۴

امام یک ملت

صفحه ۵

تأکید بر وحدت عامل تداوم انقلاب

صفحه ۸

امام جوانان

صفحه ۱۰

اسلام و ایران به خمینی مدیون اند

صفحه ۱۲

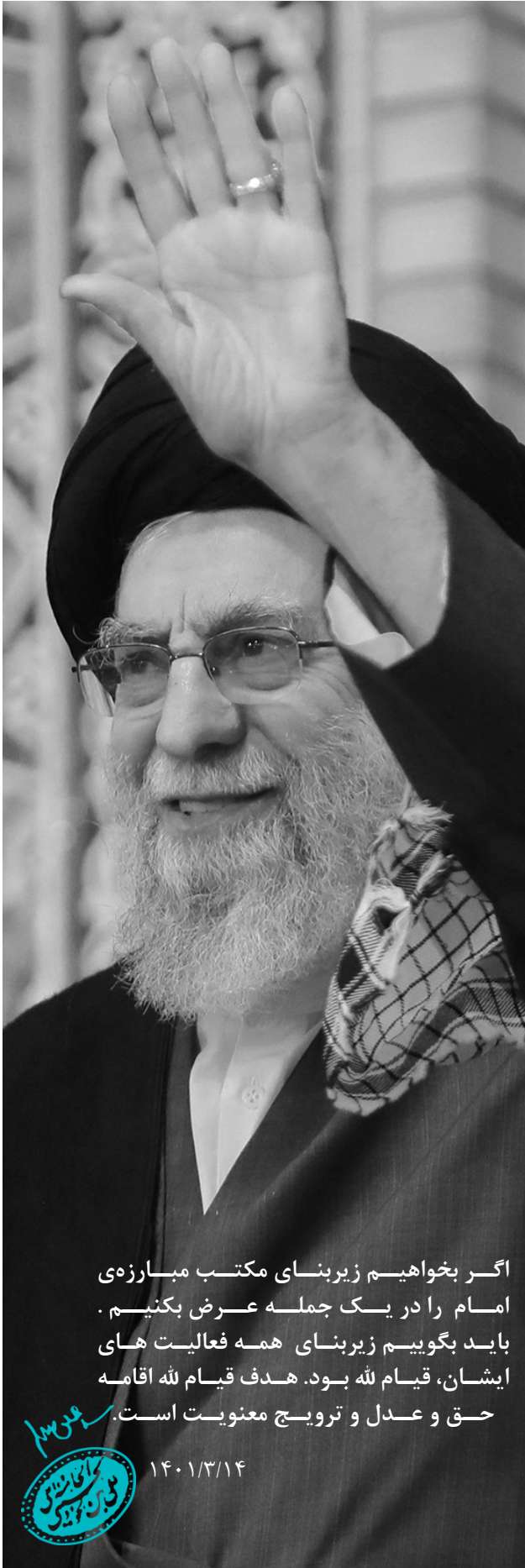
دیدم که جانم می رود...

صفحه ۱۴

دل بردی از من به یغما

صفحه ۱۷





اگر بخواهیم زیربنای مکتب مبارزه‌ی
امام را در یک جمله عرض بکنیم .
باید بگوییم زیربنای همه فعالیت های
ایشان، قیام لله بود. هدف قیام لله اقامه
حق و عدل و ترویج معنویت است.



۱۴۰۱/۳/۱۴

سب

نهاد

نهاد مقام معظم رهبری در امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور

عنوان:

ویژه نامه سی و چهارمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)
خرداد ماه ۱۴۰۲

مدیر هنری:

شهیده سادات سادات الحسینی

مدیر تحریریه:

سیده محدثه فتاحی موسوی

همکاران این شماره:

سید مصطفی میردامادی، نصیر بهلولی، محمد قدسی، رشید
علینژاد، محسن فیاضی، یحیی بابالو، احمد دهقانی، مهدی
آجورلو، فضل اله رحیمی

با تشکر از مجموعه همکاران اجرایی، مالی، پشتیبانی و خدمات نهاد
که تاثیر چشمگیری در بهبود کار داشتند

شماره تماس:

۰۲۱ - ۶۶۹۷ ۷۰۰۱ - ۲

نمابر:

۰۲۱ - ۶۶۹۷ ۷۲۴۱

پایگاه اطلاع رسانی:

www.nahadiran.ir



3

April

14

Fərvardin

۲۳

رجب

۱۴

فروردین

امروز به زیارت امام رفتم، هرگز خبر کردم و اینم زخم، ملاحظه فرمایید
 این بی خبری فرود آمدن از دست برادر، بر دست کار او برید چیزی لذت ندم و
 باتری و مهر است. دست چپ امام را که می طرز برافتن مهر است که در دست
 سفیدی پوشیده بود مشافهه بوسه زدم، بگوشه خندان و مهر باقر زندگی حسنه
 با این زیارت اما سعی میکند از آن فرار کند. زبان نماند. مدته عده حلا
 من بفرید: از لاف بکنم (دست دادن با چپ) - من بگوشه مهر به حال
 خلی خوب است. باتنی که میناید به این اهمیت دهد میگردید: تا آخر
 با سینه من محکم. بعد رو به آسمان که بر سر است آیا چیزی فوق العاده است
 با لحن رضامند و غمگین میگردید: هیچ چیز نیست غیر از پیری، ولایت به این
 خلی محکم: آن بعضی از رخک آنده و بعضی در خانه خلیل بند: از
 اوضاع جاری و جنگ مسئولانه میپرسد به جوابها با
 سینه در فردا لقمه، معلوم شد خبر آن را از رادیو شنیده و در جریان است
 این روح بزرگ، این انسان فوق العاده، این دل مطمن و متوکل و این
 عقرب قوی در اسخ در پیری حلاست خود حتی در نماز میگردید که در اسخ و از
 ما در افتاد ولایت، با همه گفتنی زندگی میکند: رضایان بشیر و در سینه
 (صحیفه سجاده)

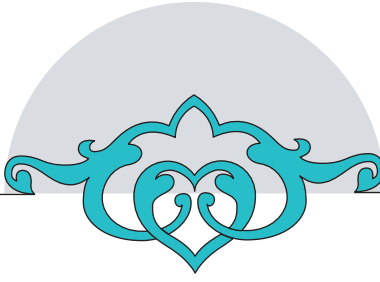
معصیت‌ها اسیرش کرده‌اند.

برگی از یادداشت‌های روزانه حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای
که در مرکز اسناد دفتر حفظ و نشر آثار رهبر انقلاب اسلامی محفوظ است

خاطره رهبر انقلاب از دیدار با امام خمینی در روز ۱۴ فروردین ۶۵

است آیا چیز فوق‌العاده‌ئی هست؟ با لحن رضامند و محکم می‌گوید: هیچ چیز نیست غیر از پیری، و نسبت به همسن‌های خود خیلی خوبم؛ آنها بعضی زیر خاک‌اند و بعضی در خانه‌ی خود خوابیده‌اند. از اوضاع جاری و جنگ مسئولانه می‌پرسد و به جوابها با دقت گوش میدهد. سمینار دیروز را گفتم. معلوم شد خبرهای آن را از رادیو شنیده و در جریان است. این روح بزرگ، این انسان فوق‌العاده، این دل مطمئن و متوکل و این عقل قوی و راسخ در همه‌ی حالات خود حتی در هنگامیکه نیمی از قلب او از کار افتاده است، با همه‌ی شخصیتش زندگی میکند: «رهبان اللیل و اسد النهار».

امروز به زیارت امام رفتم؛ آقای هاشمی را خبر کردم و با هم رفتیم. امام عزیز هنوز اجازه‌ی فرود آمدن از تخت را ندارد. به دست‌های او - هر یک - چیزی از سرم و باتری وصل است. دست چپ امام را که بخاطر ترک برداشتن سرانگشتان، در دستکش سفیدی پوشیده بود مشتاقانه بوسه زدم. چهره‌ی خندان و مهربانش اندکی خسته و بیمارگونه است اما سعی میکند نشانه‌ئی از افسردگی در آن نباشد. بلافاصله خطاب به من می‌گوید: از شما تقلید میکنم (دست دادن با چپ)! من گفتم: بحمدالله حالتان خیلی خوب است. با لحنی که مینماید به این اهمیت نمیدهد می‌گوید: شما خوب باشید من هم خوبم. بعد رو به هاشمی که پرسیده



یاد یار مهربان

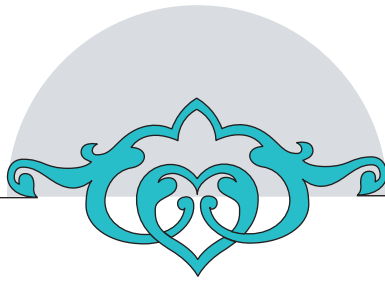


حجت الاسلام والمسلمین
سید محمد مرتضوی

رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور
دانشجویان ایرانی خارج از کشور

آنگاه که بحث و گفتگو پیرامون اسلام سیاسی و اجتماعی در فضای گفتمانی رهبران و اندیشمندان جهان ائتلاف وقت، بی معنی و حتی خنده دار می نمود و عنصر دین را به تاریخ پیوسته می دانستند، انقلاب اسلامی ایران در اوج این ناباوری ها به رهبری یک عالم و مرجع دینی در یکی از نقاط استراتژیک جهان بزرگترین دگرگونی چند قرن اخیر را رقم زد. و هم اکنون چهل و پنج سال از آن پیروزی شکوهمند می گذرد انقلاب اسلامی ایران همچنان با عزت و سربلندی و شکوه و عظمت راه خود را گشوده و موج آفرینانه پیش می رود و در صدد تمهید مقدمات برگزاری مراسم بزرگداشت چهل و پنجمین سالگرد خود می باشد. انقلاب اسلامی ایران اما در طی این چهل و پنج سال با فراز و فرود و چالش های فراوان مواجه بوده و از گردنه های دشواری چون جنگ تحمیلی ۸ ساله، تحریم ها، ترورهای ناجوانمردانه و امثال آن عبور کرده و طبعاً به تجربه های ارزشمندی دست یافته است.

به همین رو نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور در راستای رسالت خویش و در بزرگداشت سی و چهارمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) تصمیم گرفت ویژه نامه ای را با عنوان «امام یک ملت»، با خاطرات یاران و نزدیکان حضرت امام (ره) به چاپ رساند.



امام يك ملت



حجت الاسلام والمسلمین
محمد علی نظام زاده

نماینده مقام معظم رهبری در امور دانشجویان
ایرانی آسیا و اقیانوسیه

تقریباً از اوایل ورود به حوزه و شروع درسهای طلبگی من با اسم حضرت امام آشنا شدم. اولین کسی که برایم نام ایشان را برد یک روحانی محترمی بودند که بعد ها در یکی از شهرهای اصفهان امام جمعه شدند. ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اولین کسی بودند که در روستای محل زندگی من «ژیه» نام حضرت امام (ره) را بردند و چه بالای منبر و چه در بین مردم از ایشان می گفتند و تاکید می کردند که در بین مراجع از شرایط بالاتری در فقه، شجاعت و ورود به مسائل اجتماعی برخوردار هستند و این گونه اولین آشنایی بنده با شخصیت ایشان شکل گرفت. البته بیشتر بر برخورد های سیاسی و موضع گیری هایی که علیه دولت داشتند و معرفی شخصیت هایی که در راه ایشان جانفشانی می کردند خصوصاً افراد انقلابی که در تهران، قم و سایر نقاط کشور بودند مثل مرحوم طیب و.. صحبت می شد. خیلی مسائل فقهی و اجتهادی ایشان مطرح نبود و به طور کلی هنگام معرفی ایشان گفته می شد که شخصیتی بزرگ، مجتهد، فقیه و مدرس هستند که شاگردهای زیادی تعلیم داده اند. بیشتر تکیه بر جنبه ی انقلابی و شجاعت بود. هم چنین امام محور آدم های شجاع و مخالف دستگاه شاهنشاهی بودند تا جایی که کوچک ترین تحرکات مخالفتی و مباره ای با رژیم سابق در اثر ارتباط مخفیانه افراد با حضرت امام (ره) بود.

بعد از این که از اصفهان به قم آمدم، مدتی در

مدرسه فیضیه قم بودم که برای ثبت نام در مدرسه حقانی اقدام می کردم. بعد از اینکه وارد مدرسه حقانی شدم با یزرگانی آشنا شدم که به معنایی بهتر می توان گفت که فدائیان امام بودند و از نظر مرتبه علمی در سطح بسیار بالایی بودند و از آن جمله می توان به شهید دکتر بهشتی و شهید قدوسی که به نوعی گردانندگان این مدرسه و برنامه ریزان آن بودند اشاره کنم. به تبع حضور و برنامه ریزی این بزرگان مدرسه حقانی از لحاظ سبک تحصیلی در نوع خود در آن دوره بی نظیر و کمیاب بود چرا که دروس قدیم و جدید در آن اجماع شده بود و در کنار دروس حوزه که معمول بود، دروسی مثل املا، انشا و زبان انگلیسی و.. هم طلبه ها می آموختند که بنا به تعبیر بنده این نوع سبک تحصیلی در آن زمان نبود و از ابتکارات این دو شهید بزرگوار بود.

اما دلیل اینکه بنده به مدرسه حقانی آمدم، علاقه و ارادت شدید بنده به آیت الله بهشتی بود. اولین بار ایشان را در اصفهان و در مجموعه سخنرانی هایی که در مناطق مختلف اصفهان بعد از بازگشت از آلمان، داشتند، زیارت کرده بودم. من در آن دوران طلبه ای ساده در اصفهان بودم که گوش به زنگ جلسات ایشان بودم و خودم را پای منبر شان می رساندم و به شدت مجذوب مشی و برخورد اخلاقی ایشان با مردم، تیپ سخن گفتن و جامعیتی که در بیان مسائل اجتماعی، سیاسی روز داشتند، بودم. خاطره ای از آن دوران در خاطر هست که در یکی از این جلسات یکی از آقایان بعد از اختتام سخنرانی از ایشان فرصتی خواستند که آقای بهشتی با توجه به اینکه فقط یک ربع فرصت داشتند و بعد در جایی قول سخنرانی داده بودند. خطاب به ایشان فرمودند: «من یک ربع در ماشین در راه محل



که از ساعات حضور ایشان مطلع بود، در آنجا باعث آزار و اذیت امام می شدند اما امام حتی یک بار به ایشان پرخاش نکردند و سعی می کردند با وجود تمام مزاحمت های وی، زیارت کنند» البته خود آیت الله (شیخ حسن) صانعی بسیار توسط افرادی در سلک و لباس روحانیت که وابسته به رژیم بودند، تهدید شده بودند که در صورت نزدیکی به حضرت امام قطعا پیامد های سختی را می داشت. این گونه مواردی هم مطرح بود اما ما تا پای جان با عشق در خدمت ایشان بودیم.

شخصیت والای امام از چند جهت فوق العاده برای ما که مجذوبشان بودیم، جذاب بود؛ یکی شجاعت و اتکال الهی که احساس می کردیم غیر از خدا هیچ چیز دیگری در زندگی ایشان نبود و هر آنچه که انجام می دادند در راه رضای خدا و برای خدا بود. رعایت مسائل اخلاقی و حدود مردم و حرمتی که برای مردم قائل بودند و صفا و صمیمیتی که برخورد با آنها داشتند و خصوصا دقت و توجه زیادی که در رعایت بیت المال داشتند که برای اکثر ما عادت بود اما ایشان دقت نظر داشتند که چگونه هزینه می شود و توجه و دقت خاصی در خرید هایی که برای منزلشان صورت می گرفت داشتند، بسیار قابل ستودن و بی نظیر بود. مثلا هیچ گاه چیزی بالاتر از معمول جامعه برای بیت ایشان خریداری نمی شد و زندگی بسیار ساده و عادی داشتند و خود را از مردم جدا نمی دانستند. به خاطر دارم که به امام گزارش شده بود که عده ای در دفاتر، تماس های شخصی و طولانی به مناطق دور دارند که ایشان در یادداشتی فرموده بودند که به هیچ وجه برای استفاده ی شخصی مصرف نشود و فقط در کارهای مربوط به دفتر و مردم حق استفاده دارند. ایشان هم چنین تفقد خاصی به افراد داشتند و با صبر و شکیبایی و دقت به سخنان افراد

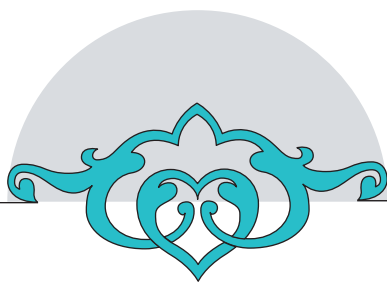
سخنرانی بعدی، می توانم در خدمت شما باشم» این میزان از تقید به حقوق مردم در ایشان برای من بسیار جالب و بی بدیل بود. همین کرامات و بزرگی ها و بیاناتی که از این شخصیت که فدایی صادق و راسخ امام بود، من را به سوی حضرت امام جذب می کرد؛ چرا که وقتی نماینده ی این جریان این شخصیت بزرگ است به تبع زعیم آن شخصیتی بی نظیر است افزون بر این نکته که آن زمان امام در تبعید بودند و امکان ملاقات حضوری ایشان نبود و هم چنین صوت و تصویر امام نیز توسط ساواک ممنوع شده بود و فقط در موارد خاصی مثلا عید نوروز کارت پستال هایی چاپ و بین مردم دست به دست پخش می شد و با توجه به این محدودیت ها شخصیت بزرگانی مثل شهید دکتر بهشتی، شهید قدوسی و بیانات آنها باعث جذب ما به سوی امام می شد.

در آن زمان به تبع شرایط سنی و.. امکان حضور و همراهی ایشان را در نجف و نوفل لوشاتو را نداشتیم. به همین جهت اولین باری که سعادت تشریف به محضر امام را پیدا کردم بعد از پیروزی انقلاب و حضور ایشان در مدرسه علوی بود که خدمت شان رسیدم و بعد از آن به نوعی می توان گفت آنجا ماندگار شدیم و در کار های دفتر و پاسخ دهی به تلفن ها و... کمک می کردیم. آیت الله (شیخ حسن) صانعی نیز در اتصال بنده به بیت حضرت امام نقش موثری داشتند؛ چرا که به جرئت می توان گفت بعد از حاج احمد آقا و حاج مصطفی، نزدیک ترین فرد به امام بودند. ایشان در زمانی که امام در نجف بودند، چهار ماهی به آنجا رفتند و در تمام آن مدت با امام بر سر یک سفره بودند و خاطره ای از امام در نجف دارند که می گفتند: وقتی امام قصد تشریف به حرم داشتند، روحانی بود

گوش می دادند و خواسته هایشان را در صورتی که اجرایی بود، دستور می دادند که عملی شود. حضرت امام در کنار این شخصیت جدی و با دقت نسبت به همه امور کشور، روحیه بسیار لطیف و ادبی و شعری و به شدت علاقه مند به طبیعت داشتند که نامه ای که در سفر با کشتی از بیروت به جده جهت حج، خطاب به همسرشان نوشته بودند متبلور شد که از زیبایی های طبیعت آنجا گفته بودند و این که چه قدر جای همسرشان آنجا خالی است، چرا که علاقه و محبت خاصی نسبت به همسرشان داشتند. ایشان در کنار تمام کارهای کشوری، ساعاتی را در طول روز در حیاط خانه استیجاری شان که در مالکیت آقای جمارانی بود، قدم می زدند و اغلب حین قدم زدن، روزنامه ی روز آن زمان را نیز مطالعه می کردند یا رادیو کوچکی که داشتند را گوش می کردند. تلاوت قرآن نیز در برنامه ایشان ثابت بود تا جایی که دو سه مرتبه قرآن ایشان را تعویض کرده بودند، چون به تبع قرائت زیاد، آسیب می دید.

حضرت امام هم چنین علاقه ی قلبی خاصی به حضرت آیت اله خامنه ای که آن وقت رئیس جمهور بودند، داشتند و خاطره ای از این علاقه و ارادت ایشان به خاطر دارم که در مراسم افطاری که حضرت امام تدارک دیده بودند، ابتدا نماز جماعت مغرب در حیاط خانه ایشان خوانده شد و بعد پای سفره افطار رفتیم اما آقای خامنه ای با تاخیر آمدند و امام تمام مدت ایستاده منتظر آمدن ایشان بودند. آقای خامنه ای که نزدیک شدند امام نشستند. به این میزان نسبت به شخصیت حضرت آیت الله خامنه ای علاقه مند بودند. به نظر بهترین و درست ترین و جامع ترین صحبت ها در بیان شخصیت والای حضرت امام را آقای خامنه ای در سخنرانی ۱۴ خرداد داشتند که ابعاد مختلف شخصیت ایشان را به بهترین وجه بیان کردند و توصیه میکنم جوان تر سخنرانی سالهای متفاوت را بخوانند.





تاکید بر وحدت عامل تداوم انقلاب



مهندس مرتضی نبوی

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

لازم است اندیشه های امام بسط پیدا کند، همانگونه که مقام معظم رهبری همواره بر این امر تاکید دارند؛ رهنمودهای امام خمینی باید همواره، در برابر چشمان بینای ملت ایران و سایر کشورهای دنیا قرار بگیرد تا راه گم نشود. ضرورت توجه به سیره و شیوه حکومتی حضرت امام (س) هم از جهت تبیین اسلامی که رهنمودهای امام به حقیقت آن بسیار نزدیک است و تعمیق مقوله ی جمهوری اسلامی و هم از جهت معرفی نظریه ایشان در باب ولایت فقیه که در واقع پایه گذار نوع جدیدی از یک حکومت مردم سالار دینی است، مهم می نماید. از منظر بین المللی شاهد تالان دوباره ای از انقلاب هستیم و امروز جمهوری اسلامی بیش از هر زمان دیگر تحت عنوان یک مولود مشروع انقلاب اسلامی تاثیرگذاری خاص خود را منطبقه پیدا کرده و این اندیشه راهبردی بنیانگذار انقلاب، حضرت امام خمینی (س) را دنبال می کند و روابط حاکم بر جهان را ظالمانه و غیر عادلانه می داند و آن را قبول ندارد و معتقد است که باید تغییر یابد. و اساسا شعار نه شرقی؛ نه غربی ایشان نیز از همین نکته منشا می گرفت که روابط دنیا باید بازسازی شود و امروز جمهوری اسلامی به خوبی در صحنه سیاست خارجی و روابط بین الملل نقش خود را ایفا می کند، لذا این عوامل ما را تشویق می کند که به بازخوانی سیره و شیوه حکومتی امام (س) بپردازیم و به راهبرد اصلی ایشان یعنی شعار نه شرقی، نه غربی بازگردیم

در دهه چهارم انقلاب، توجه به رهنمودهای حضرت امام (س) در تمام جوانب از جمله آنکه در پیش بینی های خود وعده داده بودند که در شعار استقلال؛ آزادی نیز باید چنان پیشرفت کنیم که الگو باشیم، ضروری است و طبق تاکیدات مقام معظم رهبری نیز که فرمودند در دهه چهارم باید آنچنان سیره و شیوه حکومتی امام را جلوه گر کنیم که یک مرجع متقن برای مسلمانان

من هیچگاه فراموش نمی کنم زمان هایی را که نمایندگان مجلس یا اعضای هیات دولت و یا مسئولین قضایی خدمت امام می رفتند و ایشان همیشه بر وحدت میان آنها تاکید می کردند و امروز نیز نیاز است که نمایندگان مجلس، اعضای هیات دولت، رسانه ها و سایر اقشار این محورها را رعایت کنند. همه ما امروز هم مخاطب امام (س) هستیم و لذا روابط بین قوا به گونه ای باید تنظیم شود که منادی وحدت باشد به ویژه در برابر تهدیدهایی که از سوی قدرت های جهانی که صرفا به منافع مادی می اندیشند، حفظ کنیم و با توجه به اینکه اندیشه های امام خمینی (س) ریشه در اسلام و مکتب اهل بیت دارد، هر چه بیشتر بتوانیم اندیشه های ایشان را تبیین کنیم، در واقع، در راستای شناساندن بیشتر اهل بیت (ع) به مردم عزیزمان و نیز مسلمانان جهان گام برداشته ایم.

به یقین شخصیت حضرت امام (س) معرف جایگاه و ویژگی های رهبری در اسلام است که با آخرین رسالتی که خداوند متعال در قران کریم، به پیامبر عظیم الشان اسلام جهت تعیین جانشین خود و امامت ارائه کردند، مطابقت دارد و این نوع رهبری؛ حکومت در اسلام را با سایر حکومت های دنیا متمایز می سازد و نشان می دهد در اسلام، سرنوشت جامعه به دست اندیشمندان سپرده شده و این نکته در اندیشه امام (س) تحت عنوان ولایت فقیه نمود پیدا کرد که در حقیقت ولایت عدل و علم و ویژگی نظامی است که امام (س) آن را پایه گذاری نمود، به همین دلیل



جهان قراربگیرد و همه از آن بهره‌مند شوند، عمل کنیم.

در زمان حضرت امام، نخبگان نقش به‌سزایی در نشراندیشه‌های ایشان داشتند. شهید بهشتی، شهیدمطهری، مقام معظم رهبری، بسیاری از اعضای جامعه روحانیت مبارز؛ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و نیز بسیاری از ائمه جمعه که اغلب آنها به شهادت رسیدند از جمله این نخبگان بودند. در این میان شخصیت‌های دانشگاهی؛ پزشکان، مهندسی و سایر اقشار حضور داشتند و نقش واسطه را میان امام و توده‌های

مردم ایفا می‌کردند امروز نیز گفتمان امام باید مرتباً بازتولید شود و همین امر نقش نخبگان را استثنایی می‌کند ضمن آنکه با تبعیت از مقام معظم رهبری در این زمینه رسالت خود را به انجام برسانند.

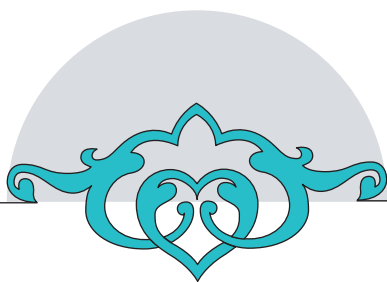
خداوند در قرآن بر تصمیم‌گیری و انتخاب بر پایه‌ی علم و بصیرت تأکید کرده است. این بسیار روشن است در قرآن کریم پیامبرعظیم‌الشان ما می‌فرمایند این راه من است که با بصیرت شما را به آن دعوت میکنم، بصیرت نیاز به علم دارد همان‌طور که به عمل نیاز دارد و خداوند نیز می‌فرماید حق نداری راهی را که به آن علمی ندارید بروید بنابراین ما باید راهمان را عالمانه و با بصیرت طی کنیم و اساساً به همین دلیل یکی از شرایط خاص ولی فقیه برخورداری از ملکه فهم و اجتهاد است. بنابراین اول شناخت موضوع با استفاده از کارشناسان، دیگری پیدا کردن راه حل مشکلات و تطبیق آن با دستورات قرآن کریم و ابلاغ آن توسط کارشناسان در نهایت توجیه جامعه، تلاش‌های علمی هستند.

رهبری عالمانه حضرت امام مبتنی بر علم، عدالت و برخورداری از ملکه اجتهاد بود تا راه حلها بصیرانه و منطبق بر وحی الهی باشد. در کتابهای مرجع ما که یکی از آنها اصول کافی است می‌بینیم باب علم مقدم بر همه ابواب است و در آنجا حدیث جالبی وجود دارد که اگر کسی دینش را از دهان دیگران بگیرد منحرف میشود اما اگر از قرآن و اهل بیت بیاموزد هیچگاه منحرف نخواهد شد. این دیدگاه نورانی حضرت امام که اساساً موفقیت و پیروزی جامعه در گرو وحدت می‌دانستند و علم بشری هم آن را تأیید می‌کند نشان از مبانی فکری و اعتقادی ایشان در امر وحدت ملی است. مقوله وحدت از نظر امام تا حدی اهمیت دارد که ایشان نه تنها پیروزی در انقلاب اسلامی که تداوم انقلاب نیز در گرو وحدت می‌دانستند به عبارت بهتر باید گفت وحدت جامعه ما در برابر خطراتی چون مدرنیته بیمه می‌کند و در همین راستا، یکی از

مواردی که امام همواره و از همان ابتدای انقلاب بر آن تأکید می‌کردند تهدیدات دشمن و ایجاد شکاف در حوزه و دانشگاه، دولت و ملت و ... بود. چرا که دشمن سعی می‌کند وحدت ملی ما را مورد تهدید قرار دهد و به همین دلیل امام به ویژه به مسئولین توصیه می‌کردند که اختلافات را کنار بگذارند.

البته اختلاف نظرامری مستحسن است اما باید از راههای منطقی که به وحدت منجر می‌شود رفت. اگر بحثها در میان نمایندگان مردم در مجلس و دولت بوجود می‌آید باید از نوع بحثهای طلبگی باشد تا به نتیجه برسد. امروزیست مقام معظم رهبری بر امر وحدت بسیار تأکید دارند بویژه در میان مسئولین که باید الگو باشند. وقتی اختلافاتی منجر به تنازع میشود بیش از هرچیز مردم را ناراحت میکند بنابراین مردم از مسئولین انتظار دارند که بتوانند با وحدت نظر به بررسی و حل مشکلات بپردازند.

محور وحدت در جامعه ما تمسک به قرآن و اهل بیت، امام (س) و ولایت فقیه «است؛ همانگونه که در دین ما، اسلام، آمده امامت و ولایت محور اتحاد جامعه هستند و در قانون اساسی عنوان شده که سه قوه زیر نظر ولایت مطلقه امر به وحدت می‌رسند و در واقع یکی از مسئولیتهای خطیر رهبری تنظیم وحدت سه قوه است تا نگرانی در مردم ایجاد نشود. در راستای رسیدن به وحدت همه باید منیت‌ها را کنار گذاشته و در این زمینه تلاش کنیم. رسانه‌های مختلف مانند رسانه ملی، روزنامه‌ها و سایت‌ها نیز نقش بسیار مهمی دارند که مردم را به سمت جمع شدن سوق دهند و در این راستا نقش احزاب و تشکلهای را نباید فراموش کرد که در عین اختلاف نظرخطوطی را که لازم‌الرعایت است، حفظ کنند. مسئولین نیز باید محوریت ولایت و امامت را برای برقراری وحدت رعایت کنند و با تمسک به این دو، وحدت را حفظ کنند.



امام جوانان



حجت الاسلام والمسلمین
مجید انصاری

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

دلیل شرایط خاص خانوادگی و نبوغ و استعداد ذاتی که خودشان داشتند، عنصر جوانی و معجزه این مقطع از سن یک انسان را کشف کرده بودند و لذا در ابتدا خودشان پا به پای حرکت در مسیر گذر عمر، از تمام ظرفیت‌ها و امکانات این دوران استفاده کردند. ایشان به علت حسن مشرب و برخوردی که داشتند، جوان را می‌فهمیدند و مانند این مقدس‌مآب‌هایی که با جوانان در دو عالم جدا زندگی می‌کنند، نبودند.

در تمام خاطرات نوه‌ها و اعضای خانواده ایشان هم هست که حتی در همین سنین آخر و در دوران رهبری، امام در خانه یک رفیق بسیار صمیمی و مهربان با فرزندان و نوه‌ها بودند که با آنان بازی می‌کردند و با آنان هم‌زبان بودند و اهل تحکم و تحمیل مسئله‌ای بر آنان نبودند.

در خاطرات نوه‌های امام هست که اصلاً در داخل منزل احساس نمی‌کردند که با یک رهبر مواجه هستند؛ بلکه او را پدر بزرگی می‌دیدند که از او درخواست می‌کردند با آنها کارتون نگاه کند یا عکس بیندازند و بازی‌های کودکانه داشته باشند و احساس می‌کنند با نزدیک‌ترین فرد که او را دوست دارند و او هم آنها را دوست دارد، برخورد دارند.

این را از داماد ایشان مرحوم آقای دکتر بروجردی شنیدم که وقتی ایشان آمده بود خواستگاری صبیحه امام، ایشان در خانه امام صورتشان را تیغ می‌زدند؛ می‌گوید من بارها و بارها خدمت امام رسیدم اما حتی یکبار امام نفرمود که چرا صورتت را تیغ می‌زنی؟.

این وضعیت شاید الان یک امر عادی باشد ولی ۷۰ سال پیش، اغلب علما اینطور بودند که اگر فردی را بدین صورت می‌دیدند از باب نهی از منکر تذکر می‌دادند. اتفاقاً ظاهراً یکبار هم به امام گفته بودند که شما چرا

اولین دیدارم با امام در قم بود. در تهران اولین دیدارم با امام در همین حسینیه بود. من هر وقت که فرصت دیدار پیدا می‌کردم چه در ملاقات‌های عمومی یا بعضاً اگر توفیق ملاقات خصوصی پیدا می‌کردم، سعی می‌کردم حتماً در منزل پشتی که حضرت امام (ره) آنجا تشریف داشتند، برای دست بوسی می‌رفتم و بعد به داخل حسینیه می‌آمدم و از محضر ایشان استفاده می‌کردیم.

یکی از نکاتی که زیاد درباره حضرت امام (ره) گفته می‌شود و خود ایشان هم به آن تأکید داشتند، بحث جوانان و اینکه فطرت پاک جوان‌ها نسبت به افراد دیگر خیلی مهیاست تا بتوانند به کمک آن، در مسیر اصلاح جامعه و اسلام حرکت کنند. ایشان هم به معنای واقعی یک انقلاب در درون جوان‌ها ایجاد کردند و بعد همان جوان‌ها را در مسیر انقلاب آوردند. این چه راز و رمزی دارد؟ امام این کلید قفل دل جوانان را که خیلی هم آسان باز نمی‌شود، توسط یک مرجع عالیقدر جهان اسلام آن هم در فضایی که جوانان، مسیرهای زیاد داشتند که انتخاب کنند را چگونه به دست گرفت؟

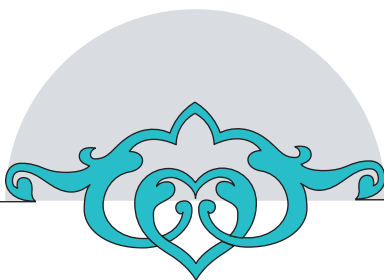
این نکته مهمی است. این روزها بیشتر از هر زمان دیگر توجه و فهم این موضوع کلیدی برای کشور و آینده تاریخ کشور و همچنین جوانان عزیز اهمیت دارد. علت اصلی آن این است که شخص حضرت امام (ره) از ابتدای نوجوانی به

نهی از منکر نمی‌کنید و ایشان فرموده بودند که من منکری ندیدم. گفته بودند که چطور منکری ندیدید؛ این مغایر فتوای شماسست. امام پاسخ داده بودند که شاید ایشان مقلد کسی است که تراشیدن ریش را حرام نمی‌داند. خلاصه امام اهل گیر دادن نبودند. ضمن اینکه در مسائلی مانند تربیت فرزند و تربیت جوان‌ها جدی بودند اما امام انتقال مطلب را به شیوه مثبت و غیرمستقیم انجام می‌دادند و جوری القا می‌کردند که فرد احساس نکند دارد به او تحمیل و تحکم می‌شود. بعدها این مسئله، خود را در شیوه مدیریتی امام نشان می‌دهد و واقعا از معجزات است. جوانان ما چون امام را ندیده‌اند و فضا هم فضای دیگری است، از شنیدن اینها تعجب کنند.

امام (ره) وقتی که انقلاب را شروع کردند و در ۱۴ سالی که در تبعید به سر می‌بردند و بعد از بازگشت و پیروزی، به این موضوع توجه داشتند و این مسئله موجب شد تا جوانان امام را ندیده، عاشق او شوند. امام این نسل را تربیت کرد، با آنان زندگی کرد و آنان هم متقابلاً به امام عشق می‌ورزیدند و نتیجه این شد که جنگ را همین جوانان اداره کردند، جهاد سازندگی را اینها ترتیب دادند و مدیران کشور عمدتاً همین جوان‌ها بودند. امام به ایمان جوانان و به قدرت جوانی اعتماد می‌کردند.

امام (ره) چند نکته را درباره جوانان تأکید کردند؛ یکی اینکه جوانان قلبشان پاک‌تر از افراد مسن است. دنیاگرایی، دنیاطلبی و نیازدگی آنان کمتر است و به خدا نزدیکتر هستند؛ برخلاف ذهنیاتی که امروز هست. جوان واقعا با خدا عشق می‌کند. اما ما جوری خدا را تعریف می‌کنیم که ترسناک و سخت است و اگر بخواهیم با او صحبت کنیم حتما باید دعای جوشن کبیر بخوانیم.





اسلام و ایران به خمینی مدیون اند



دکتر سید محمد اکرمی

رئیس انجمن علمی ژنتیک پزشکی ایران
دانشیار ژنتیک دانشگاه علوم پزشکی تهران

بنظرم قدرت امام در چند نکته بود:

یک خود را و تلاش خود را برای خدا خالص کرده بود. «من اخلص الله اخلص الله بينه و بين الناس». ساده و صمیمی با مردم سخن می گفت. وقتی خبر دادند که گمرکات به کامیون احتیاج دارد، با یک پیام کوتاه دو سه خطی تمام کامیون های کشور را به سمت بنادر جنوب کشور بسیج کرد. کمتر آیه و حدیث و شعر در سخن خود استفاده می کرد، لذا به راحتی بر قلب ها می نشست.

دو) شعارها و اهداف ساده و دست یافتنی را بارها در سخن خود تکرار می کرد. همیشه بر وحدت کلمه و توجه به مردم تاکید داشت.

سه) به جوان ها اعتماد داشت. با آنکه روزهای اول پس از پیروزی انقلاب همه چیز در هرج و مرج کامل به نظر می رسید، لیکن با بسیج مردم و به ویژه جوانان توانست به سرعت بر تمام بخش های مختلف نظام مسلط شود. ایران هیچ گاه علیرغم انواع اقسام توطئه های دشمنان درگیر بستن مرزها، تعطیلی صدا و سیما یا انتخابات و مشابه آن نشد. مدیران ارشد اکثر نهادهای انقلابی از جوانان بودند. میانگین سنی مدیران از ۲۰ تا ۳۰ سال تجاوز نمی کرد.

چهار) در اداره کشور با کسی تعارف نداشت. محکم و استوار در مخالفت با منافقین، لیبرال ها، انجمن حجتیه، آمریکا و غرب گرایان ایستادگی کرد و از مماشات پرهیز داشت.

پنج) خلاقیت و نوآوری های خاص زیادی بخرج داد. ایجاد نهادهای انقلابی متعدد، حلیت شطرنج، مکاتبه با رییس جمهور اتحاد جماهیر شوروی برخی از آنهاست. پیش بینی های ملی و بین المللی

و الذین جاهدوا فینا لنهذبهم سبلنا

در چهلم حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکا برای یک کنفرانس علمی بودم. راننده تاکسی از من پرسید: خمینی چطور است؟ گفتم: سال هاست به رحمت خدا رفته! ناراحت شد هنوز فکر میکرد که خمینی زنده است. لحظه ای بعد گفتم: خامنه ای الان رهبر ایران هست. گفت او هم یک آیت الله است؟ گفتم: بلی.

خوشحال شدم. ایران را به خمینی همه دنیا می شناسند. ۴۵ سال قبل کشور ما چه داشت؟ الان کجا ایستاده؟

توفیق شد علیرغم اینکه سن زیادی در آن ایام نداشتم، در ۴-۵ جلسه عمومی متفاوت، خدمت امام برسم. لحظاتی که در حسینیه ساده و کوچک او جمع می شدیم به هیچ چیز دیگری جز دیدن روی نورانی و زیبایی او فکر نمی کردیم. در یکی از سخنرانی هایی که با علما داشت در پایان سخنان او دیدم که مسئولین کنار دو نفر از روحانیون معروف جمع شدند. با همان سنین کودکی احساس کردم، هرکدام شان سخنان امام را آن جوری که خودشان دوست داشتند تفسیر می کردند! مادرم به پدرم می گفت که فرق شما با امام این است که او با آمریکا می جنگد در حالی که شما در داخل با خودتان می جنگید! این یک جمله طلایی بود که آویزه گوش من شد.



منحصر بفرد او نشان از هوش سرشارش داشت.

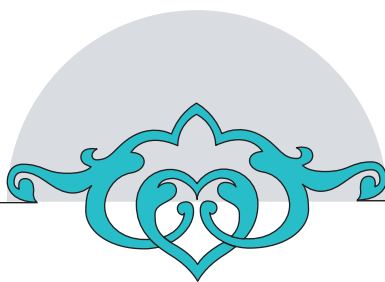
شش) دشمن در نظر او کوچک بود. در غروب روز اول جنگ تحمیلی عراق علیه ایران با مردم سخن گفت؛ «دیوانه ای سنگی زده و رفته!» در حالی که مردم در اضطراب شدیدی از معنا و مفهوم جنگ برای اول بار بودند، با همین جمله ساده به آرامش رسیدند!

هفت) امام منحصر بفرد بود. نمی گویم قدیس یا معصوم...! لیکن موحد بودنش، جامع بودنش، شجاعتش، عمق کلماتش، اقتدار در عین لطافتش و عشق به اهل بیتش او را کسی کرد که هر چه بر شکر دیدنش بگوییم کم است.

به جوانان عزیز توصیه می کنم گاهی به وصیت نامه سیاسی الهی او سر بزنند که آن هم دردانه ای بود بهشتی در این دنیای وانفسا.

زندگی و حرکت امام آینه تمام نمای آیه قرآنی است که در مطلع بحث بدان اشاره شد. کسی که برای خدا

جهاد کند، خداوند او را در مسیر هدایت خواهد کرد. امید که قدر این دردانه را بدانیم و از آثار او مراقبت کنیم و از الگوبرداری کنیم. شربتی از لب لعلش نجشیدیم و برفت روی مه پیکر او سیر ندیدیم و برفت



دیدم که جانم می رود...



حجت الاسلام والمسلمین
علی اکبر آشتیانی

از اعضای دفتر امام خمینی(ره)

بفهمند این شهریه امام(ره) است. بنده و آقایان شریفی و موسوی قافله باشی انتخاب شدیم و وجوهات را می گرفتیم و به چند دفتر می بردیم و از همین جا بود که ارتباط بنده با بیت امام(ره) بیشتر شد و بعد ها در طی سفرهای تبلیغی که به سیستان و بلوچستان و منطقه خاش داشتم که ساواک مانع فعالیت ما در آنجا شد یا سفر تبلیغی به مازندران و... ارتباطم بیشتر و بیشتر شد و با آقای پسندیده اوضاع و احوال و سایر گزارشات را به خدمت امام(ره) می رساندیم. در جریان چراغانی کردن نیمه شعبان که امام(ره) مخالف بودند بنده در قالب سفری به شیراز رفتم و در رابطه با این جریان به خدمت آقا بها الدین محلاتی رسیدم.

امتیاز خاصی که امام(ره) غیر از اصول و فقه که در بین اکثر مراجع مرسوم بود داشتند نظریه ولایت فقیه بود که در نجف آغاز کردند و این شاخصی بود که امتیاز ایشان را بیشتر می کرد. روشنگری های امام(ره) نیز با شیوه ی مبارزات در داخل کشور متفاوت بود و به همین جهت هم طرفداران ایشان بهای سنگینی مثل تبعید، زندان و شکنجه های بسیار سختی را داشتند و این مسئله نیاز به کاوش دارد که ما از کجا حرکت کردیم، کجا بودیم و چه کار کردیم و الان چه شده است و مسئولیت و وظیفه ما چیست. شناخت ما مخصوصا هم نسل جدید شناخت اش نسبت به امام(ره) اساسی و با واقعیت منطبق نیست، متأسفانه ۴۰ سال از آغاز حرکت انقلابی امام(ره) می گذرد اما ما چندان کار فرهنگی زیر بنایی در راستای معرفی هدف و خط مشی امام(ره) انجام نداده ایم که هدف و خواسته و مقصود امام(ره) چه بوده است و این وظیفه ارگانهایی است که این مسئولیت خطیر را دارند و باید حرکت اساسی و زیر بنایی را آغاز کنند.

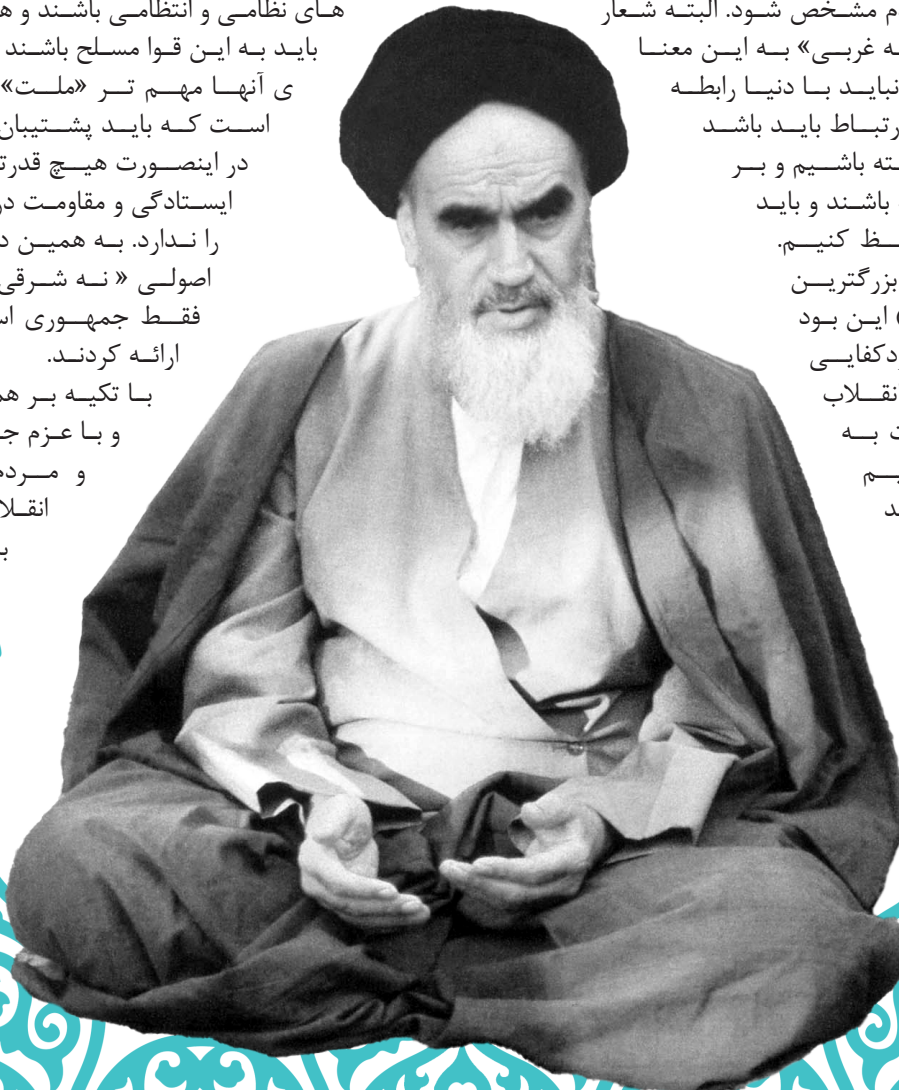
من متولد سال ۱۳۳۴ هستم و بعد از پایان کلاس هشتم وارد حوزه آشتیان شدم و لمعه را آنجا در نزد بزرگانی هم چون آقای رفیعی اراکی، حاج آقای دانش و... خواندم و بعد وارد مدرسه دارالشفا شدم و امتحانات حوزه را با رتبه های یک، دو، سه گذراندم. امام(ره) در آن زمان به جهت مبارزه و مخالفت هایی که با نظام شاهنشاهی داشتند از ترکیه به نجف تبعید شده بودند که البته این مسئله تبعید ایشان از ترکیه به نجف، جای بحث و کاوش بسیار دارد که با چه دلیل و هدفی ایشان را به نجف تبعید کردند. در کنار مبارزات و اقدامات امام(ره)، در شهر قم نیز مخالفت هایی با نظام شاهنشاهی شکل گرفته بود و افرادی مثل آیت الله گلپایگانی و جامعه مدرسین قم و ... بودند که البته جامعه مدرسین در افق دیگری فعالیت می کرد و حرکات شهر قم حرکات چندان بزرگی مثل حرکت امام(ره) نبود.

آن زمان تصمیم بر این بود که امام(ره) شهریه هایی به طلاب بدهد، اما خوب اگر به نام ایشان داده می شد، ساواک اجازه نمی داد به همین دلیل ایشان از شیخ احمد آشتیانی که از شخصیت های شاخص و برجسته در حوزه عرفان بودند خواستند که شهریه ها به نام ایشان باشد. شیخ حسن صانعی نیز در چند جلسه شرکت کردند که طلاب

جوانان ما بدانند ما در زمان طاغوت چه وضعیتی داشتیم و چه بودیم و چه شدیم آنوقت نگاه شان خیلی فرق می کند. اینها را مخاطب ما باید بداند و در این بین دشمن با هدف هایی شعارهایی می دهد که به ظاهر بسیار زیباست اما در باطن هم جوان و هم کشور را نابود می کند؛ چرا که هدف آنان استقلال ایران نیست. ما در رژیم سابق عدم استقلال داشتیم و همه چیز بر حسب ظاهر درست بود، اما در همان زمان در تهران در همین میدان شوش خانه هایی بودند که اوضاع فاجعه باری داشتند. در واقع رژیم سابق، حکومت مفسد وابسته ای بود که حتی در ارتش آن به گفته ی خود افراد ارتشی اگر قطعه ای خراب می شد به آمریکا جهت تعمیر فرستاده می شد، بدون اینکه افراد در جریان پروسه تعمیر و.. آن باشند. اما بعد انقلاب به مرور این خود کفایی از ارتش شروع شد و تا حدودی هم موفق بودیم اما باز هم عقب هستیم و این کار باید به جد دنبال شود تا حقیقت استقلال و رو پای خودمان ایستادن کاملاً برای مردم مشخص شود. البته شعار «نه شرقی و نه غربی» به این معنا نیست که ما نباید با دنیا رابطه داشته باشیم، ارتباط باید باشد اما نباید وابسته باشیم و بر ما سلطه داشته باشند و باید اقتدارمان را حفظ کنیم. در این راستا بزرگترین خدمت امام(ره) این بود که ما به خودکفایی رسیدیم. ما انقلاب کردیم و دست به اصلاحات زدیم اما خوب باید بپذیریم در

کنار آن، مشکلاتی هم داریم که باید برای برون رفت از آنها با متخصصان صحبت کنیم. هدف این است که مخاطب ما بداند خدمتی که امام(ره) کردند این بود که توانستند نظامی که صد در صد وابسته بود و اکثر مبارزین آن زمان اذعان داشتند که محال است از بین برود را ساقط کنند. در واقع ایشان با بینش و اعتقاد به خدا و باور به وعده های الهی، حرکت خود را آغاز کردند و گروهی که به هدف و شخصیت بزرگ ایشان معرفت یافته بودند، به میدان آمدند و ندای امام(ره) را لبیک گفتند و این تحول بزرگ در ایران رخ داد و نظامی که همه می گفتند محال است نابود شود را ساقط کردند و اینگونه راهی برای تولد جمهوری اسلامی که برآمده از رای مردم بود، را ایجاد کردند. نکته ی مهم دیگر از شخصیت امام(ره) این بود که ایشان معتقد بودند اگر مردم پشتیبان حکومت باشند، هیچ آسیبی به کشور نمی رسد. درست است که باید ارتش، قدرت های نظامی و انتظامی باشند و هر مملکتی باید به این قوا مسلح باشند اما از همه ی آنها مهم تر «ملت» آن کشور است که باید پشتیبان آن باشند در اینصورت هیچ قدرتی یارای ایستادگی و مقاومت در برابر آنها را ندارد. به همین دلیل شعار اصولی «نه شرقی نه غربی فقط جمهوری اسلامی» را ارائه کردند.

با تکیه بر همین شعار و با عزم جدی ایشان و مردم، بعد از انقلاب تحولات بسیار



زیادی خصوصاً در راستای خدمات شهری، گسترش و ایجاد راه های مواصلاتی و... شکل گرفت. برای مثال قبل انقلاب در شهر آشتیان ما تا ساعت ۱۲ برق داشتیم و بعد از آن قطع می شد و راه های مواصلاتی و راه های شهری اوضاع اسفناکی داشتند اما بعد از انقلاب تحولات و پیشرفت های چشمگیری در حوزه های مختلف شهری و روستایی رخ داد. در آن زمان انتخاباتی برگزار نمی شد دربار افراد را برای تصدی امور انتخاب می کردند. اما بعد از انقلاب شاهد حضور اکثریتی مردم پای صندوق های رای در تمام کشور بودیم که بنده هم بعد از انتخابات مجلس که جز منتخبین نبودم به حضور امام(ره) رسیدم و اظهار داشتم که انتخابات سالم و درستی بود. با این وجود جوانان ما گاهی گمان می کنند که اوضاع بسیار خوب بوده است اما اصلاً اینگونه نیست و باید در این زمینه شفاف سازی هایی شکل بگیرد که جوان ما با حقایق آشنا شود و این وظیفه مبلغ فرهنگی است که با دانش و مهارت درستی، دید روشنی به جوانان مان در رابطه با اوضاع کشور قبل و بعد انقلاب بدهد.

با وجود همه تحولات شکل گرفته ما مشکلاتی هم داریم و باید به مخاطب مان برسانیم که چند درصد این مشکلات از تحریم هایی که علیه ما شده، نشات گرفته است و یا چند درصد تاثیر مشکلاتی است که خودمان به وجود آورده ایم. اگر مردم را در جریان بگذاریم و واقعیت امور را به آنها بگوییم مشکلات تا حدودی حل می شوند. در حوزه اقتصادی امام(ره) رحمه الله علیه همیشه تاکید داشتند که مایحتاج اولیه زندگی مثل نان، قند، برنج و... حتی سیگار نباید گران شوند.

در دفتر امام(ره) ما تمام وقت حضور داشتیم و حالت اداری خاصی در آن نبود و شب و روز پیگیر امور بودیم و شاید از در طول روز فقط چهار ساعت در خانه بودیم و بقیه در دفتر امام(ره) مشغول کار بودیم عده ای مسئول امور شرعی بودند و... یک شبی ساعت هشت و نیم که بنده و آقای محتمشی در دفتر بودیم از پدافند به ما خبر دادند که هواپیمایی نزدیک جماران می شود و چه بکنیم که ما به خدمت امام(ره) رسیدیم و ایشان دستور دادند که حاج احمد آقا را صدا بزنیم و به ایشان گفتند که اگر نزدیک شدند، منهدم کنید. من نیز با مرحوم تیمسار فلاحی صحبت کردم و ایشان نیز گفتند که دو هواپیما بلند شده است و پیگیر هستند. اما بعد از آن دیگر پاسخی از ایشان

دریافت نشد و فردای آن روز که خبر آمد هواپیمای حامل ابوالحسن بنی صدر و مسعود رجوی در فرانسه فرود آمده است امام(ره) با آقایان برخورد جدی کردند.

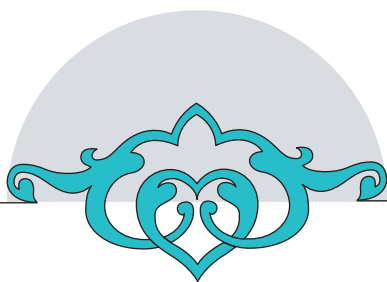
بنده از نزدیک ترین افراد به حاج احمد آقا بودم و کارهای دفتر را انجام می دادم و بعد از انتصابم به عنوان رئیس عقیدتی-سیاسی ژاندارمی از بیت امام(ره) جدا نشدم و در کنار کار های دفتر، پیگیر امور ژاندارمی نیز بودم و سعی می کردم که اقدامات مفیدی انجام دهم برای مثال در بعد فرهنگی مجله و نشریه داشتیم و برای افسران و سربازان کلاس های جدا برگزار می کردیم و تا حدودی موفق هم شدیم و در دیداری که مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای که در آن زمان رئیس جمهور بودند از پادگان ۲۲ بهمن داشتند، رضایت شان را از عملکرد اداره عقیدتی-سیاسی ژاندارمی عنوان داشتند.

همانطور که خدمتان عرض کردم بنده تمام وقت در دفتر امام(ره) پیگیر امور بودم، تا زمانی که کسالتی برای من پیش آمد که به دلیل بیماری به خارج اعزام شدم. قبل رفتن خدمت امام(ره) جهت خداحافظی رسیدم و گریه کردم و ایشان هم چون پدری مهربان گفتند که ان شاء الله خوب می شوی و کسالت حل می شود و این رفتار پدرا نه ایشان برایم بسیار جالب و عزیز بود.

از خصایص ویژه ایشان می توان به نظم شان اشاره کرد که تمام ساعات شان را تقسیم کرده بودند مثلاً مشخص بود که ایشان ساعت هشت کجا هستند یا مشغول چه کاری می باشند. همزمان که راه می رفتند روزنامه می خواندند و ذکر می گفتند و بسیار صرفه جویی می کردند و همواره طبق فرمایش امیر المومنین (ع) نظم را در زندگی شان دنبال می کردند. این مسئله درس بزرگی برای جوانان ماست که نظم در امور موفقیت را بیشتر می کند.

ما با نسلی از جوانان روبه رو هستیم که شناخت جامع و کاملی که منطبق با واقعیت باشد از زندگی و شخصیت امام(ره) خمینی رحمه الله علیه ندارند و ما باید به دنبال این باشیم که معرفی جامع و کاملی از شخصیت ایشان ارائه کنیم. اگر بخواهم برایتان از اولین بار هایی که با امام(ره) خمینی آشنا شدم و شخصیت بزرگ ایشان را درک کردم بگویم باید عرض کنم...





دل بردی از من به یغما



دکتر محمد حسین معبودی

استاد دانشگاه و از پاسداران بیت امام

و در رشته ریاضیات ثبت نام کردم. در کنار مدرسه به کلاسهای قرآنی که در مسجد علوی که مسئول آن آقای موحدی کرمانی بود هم می رفتم. در همین زمانها از طریق یکی از دوستانم آقای حسین ولوجردی که بعد ها شهید شد طی صحبت هایی که پیرامون انتخاب مرجع تقلید داشتیم ایشان نام امام خمینی را بردند و پیشنهاد کردند که من ایشان را به عنوان مرجع انتخاب کنم و باوجود اینکه می دانستم چه عواقب سختی در انتظار مقلدان و فدائیان ایشان است اما مقلد حضرت امام شدم. در آن زمان خیلی با ترس نام ایشان برده می شد و به خاطر دارم بار اولی که تصویر مبارک ایشان را دیدم چنان در صلابت و نورانیت چهره ایشان غوطه ور شده بودم که فقط به عکس زل زده بودم، تصویر بسیار زیبا و دلآزایی بود. اولین بار که به حضور امام رسیدم در بهشت زهرا بود که ایشان تازه وارد کشور شده بودند و من در فاصله ای نزدیک به جایگاه ایشان در ازدحام جمعیت ایستاده بودم و مات چهره ی ملکوتی شان بودم. بعد از این دیدارهم چندین بار از طرف دانشگاه و به همراه جمعی به دیدار عمومی با ایشان رفتیم تا این که با لطف الهی لیاقت پیدا کردم که در خدمت ایشان در جماران باشم که در ادامه برایتان خواهیم گفت..

این علاقه قلبی بنده به امام ادامه داشت تا این که در اوایل سال ۵۷ وارد دانشگاه شیراز شدم و در اواسط تحصیل بودیم که انقلاب شد و به تبع تعطیلی دانشگاه ها، در کنار برادران و مبارزان خط امام به کمک ماشین ژیبانی که داشتم سلاح ها و مواد منفجره ای که در مسجد آتشی ها به رهبری آقای دستغیب ساخته می شد جابه جا می کردم و به دست مبارزان می رساندم. تا این که در ۲۲ بهمن ماه انقلاب پیروز شد و کم کم کمیته های

بنده محمد حسین معبودی متولد سال ۱۳۳۶ در شهر استهبان شیراز در یک خانواده ی مذهبی به دنیا آمدم. شهر محل زندگی من، بزرگترین تولید کننده انجیر و مرغوب ترین زعفران طلایی است. دوران دبستان و دبیرستانم را در همین شهر سپری کردم و مبارزات و اقدامات انقلابی من از همین دوران بود که آغاز شد. به خاطر دارم که کلاس هشتم بودم و چون مذهبی بودیم و معلم دینی مان آدم محترم و قابل احترامی بود، خیلی به انشا نویسی در موضوعات مختلف علاقه مند بودم و اکثر تایم کلاس مصروف بیان نوشته های من می شد. روزی انشایی در خصوص بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (س) نوشته بودم که در کلاس قرائت کردم بعد از کلاس در مسیر بازگشت به خانه، یکی از افسران ساواک من را به جهت انشایی که نوشته بودم، دستگیر و مورد اذیت و آزار قرار داد که با وساطت پدرم و معلم دینی ام آزادم کردند. هم چنین کلاس دهم که بودم به جهت داشتن کتابهای ممنوعه از جانب ساواک با تعدادی از دوستانم دستگیر شدیم و من چون کم سن و سال تر بودم و به جهت وساطت یکی از آشنایانم که رئیس کلانتری بود بعد از سه چها روز حبس در زندان عادل آباد شیراز آزاد شدم اما برای دوستانم پنج ماه زندان سیاسی در نظر گرفته بودند. من تا کلاس یازدهم در شیراز بودم و بعد به تهران آمدم. در آن زمان در تهران سه دبیرستان برجسته به نام های البرز، ادیب و هدف بود که من در ادیب

انقلاب و به مرور نیروهای سپاه شکل گرفتند و بنده من جمله هسته ی تشکیل دهنده سپاه در استان فارس بودم که کم کم جنگ آغاز شد. پنج روز از آغاز جنگ گذشته بود که با گروهی ۱۲۰ نفره به منطقه جنگی اعزام شدیم و من مسئولیت های خطیری مثل تک تیراندازی، فرمانده گردان، مسئول پدافند هوایی بودم و چندین بار هم در مناطقی مثل خیبر، خرمشهر و.. مجروح شدم. در حالت مجروحیت بعد از حملات بودم که خبر رسید برای حفاظت از بیت حضرت امام، نیرو استخدام می کنند و من و چند تن از افراد به تهران آمدیم و مدت زیادی در

محضر حضرت امام بودیم و شاهد لحظات زندگی این بزرگوار از نزدیک بودیم. مواقعی برای دست بوسی به حضورشان می رفتیم و جانی دوباره از نفس مسیحایی ایشان می گرفتیم. در کنار این مسئولیت ها به جبهه هم اعزام می شدیم و باز پرس دادگاه انقلاب هم بودم و مدتی در محضر دکتر بهشتی و آیت الله محمدی گیلانی مشق مبحث فضا کرده ام. اما بعد ها کرسی تعلیم و تربیت را ترجیح دادم و در دانشگاه تربیت معلم مشغول تدریس دروس ریاضیات و کامپیوتری شدم. در همین زمان ها بود که به سفارش و خواست پدرم، خواهرم که در تهران زندگی می کرد یک دختر مومن

و بسیار خوبی معرفی کردند و ما در معیت رئیس پدافند هوایی تهران مهندس فرشچی و همسر بزرگوارشان برای خواستگاری به منزل همسر رفتیم اما با صحنه ای عجیبی مواجه شدیم افراد زیادی با ظاهر و چهره غمگین و سیاه پوش به خانه شان رفت و آمد داشتند ما جویای ماجرا شدیم که پدر همسر گفتند که



شب هفتم شهادت پسرشان است و ما خیلی عذر خواستیم و قصد بازگشت داشتیم که ایشان فرمودند: «پسرمن در راه خدا شهید شده است و شما در راه اجرای سنت پیامبر خدا (ص) هستید، بفرمایید...» در خصوص مراسمات و تشرفات نیز وقتی بحث مهریه پیش آمد ما خیلی نگران بودیم چون از پس ۲۰۰ سکه بیش تر بر نمی آمدیم اما همسرم خطاب به ما گفتند: «که من با خدا معامله می کنم، خدا یکی.. مهریه هم فقط یک سکه می خواهم» ما نیز با کمال میل پذیرفتیم و بعد از دفتر امام نوبت عقد گرفتیم و به جبهه بازگشتم. اما این بار بسیار آسیب



دیدم به حدی که سه ماه فراموشی مطلق داشتم و خانواده ام بسیار نگران بودند که مبدا عروس خانم با مشاهده وضعیت بنده پشیمان شوند. اما ایشان وقتی ماجرای مجروحیت مرا شنیده بودند بسیار نگران و مضطرب حال من را پرسیده بودند و گفته بودند که آرزو داشتند که در خدمت جانبازان باشند و نه تنها پشیمان نشده بودند بلکه خطاب به مادرم گفته بودند نه تنها پشیمان نیستم که همواره حامی

و پشتیبان شان هستم. در تاریخ ۱۹ مهر به جهت نوبتی که از دفتر امام گرفته بودیم مرا به تهران آوردند اما هیچ چیز در خاطر من نبود و مدام از خانواده می پرسیدم که کجا می رویم؟ من با کسی که ندیده ام ازدواج نمی کنم و خانواده ام به شدت مشوش بودند و سعی در بیان ماجرای آشنایی من و همسرم داشتند. تا اینکه به میدان جماران رسیدیم... خدشاهد است همین که نفس بهشتی جماران را استشمام کردم گویی زنده شدم و همه چیز را به خاطر آوردم و گفتم: «این جا جماران است.. این جا بیت امام است.. بیایید به حضور امام برویم.. من اینجا را می شناسم..» همه خوشحال شدند که من همه چیز را به خاطر آوردم. در راه بیت امام یک سکه که مهریه همسرم بود را به ایشان دادم و بعد به خدمت امام مشرف شدیم و از شدت ذوق اشک می ریختم و مبهوت چهره ی نورانی ایشان بودیم. امام مهریه همسرم را پرسیدند و من که حالا دیگر همه چیز به خاطر آمده بود گفتم: «یک جلد قرآن، اسلحه، مجموعه کتابهای آقای مطهری و یک سکه بهار آزادی مهریه همسرم است» امام فرمودند: «اجازه می دهید که بنده اصلاحش کنم..» ما نیز با کمال میل پذیرفتیم. امام فرمودند: «یک جلد کلام الله مجید، اسلحه مال خودتان، مجموعه کتابهای آقای مطهری را به ایشان هدیه بدهید، آیینه و شمعدان و یک سکه بهار آزادی» بعد از قرائت خطبه عقد نیز همسرم سکه ای که به عنوان مهریه به ایشان داده بودم به امام هدیه کردند و امام نیز خودشان یک سکه دیگر به ما هدیه کردند که سالهاست آن را با جان و دل در کنار تربت امام حسین (ع) حفظ کرده ایم و بسیار بسیار برای ما عزیز و باارزش است.

سیمای امام انقدر روحانی و ربانی بود که هر کسی به ملاقات ایشان می آمد دلش می رفت و فقط خیره در چهره و شخصیت ایشان بود. در زمانی که محافظ ایشان بودم در تمام دیدارهای عمومی و خصوصی که داشتند همراهشان بودیم و افراد و شخصیت هایی که به دیدار ایشان به بیت رهبری می آمدند مثل دکتر بهشتی، رئیس جمهور و نخست وزیر و.. را تا بیت حضرت امام همراهی می کردیم. دیدارهایی هم با شخص امام داشتیم که نفس مسیحایی شان به جان مان روح تازه ای می دمید و سراپا گوش فرمان شان بودیم و فرمایشات ایشان در تار و پود وجودمان نفوذ می کرد ان شاء الله که امید دارم نسل حاضر نیز قدردان این مرد صدیق که ابر مرد تاریخ است باشند و عظمت این

شخصیت بزرگ را بدانند..

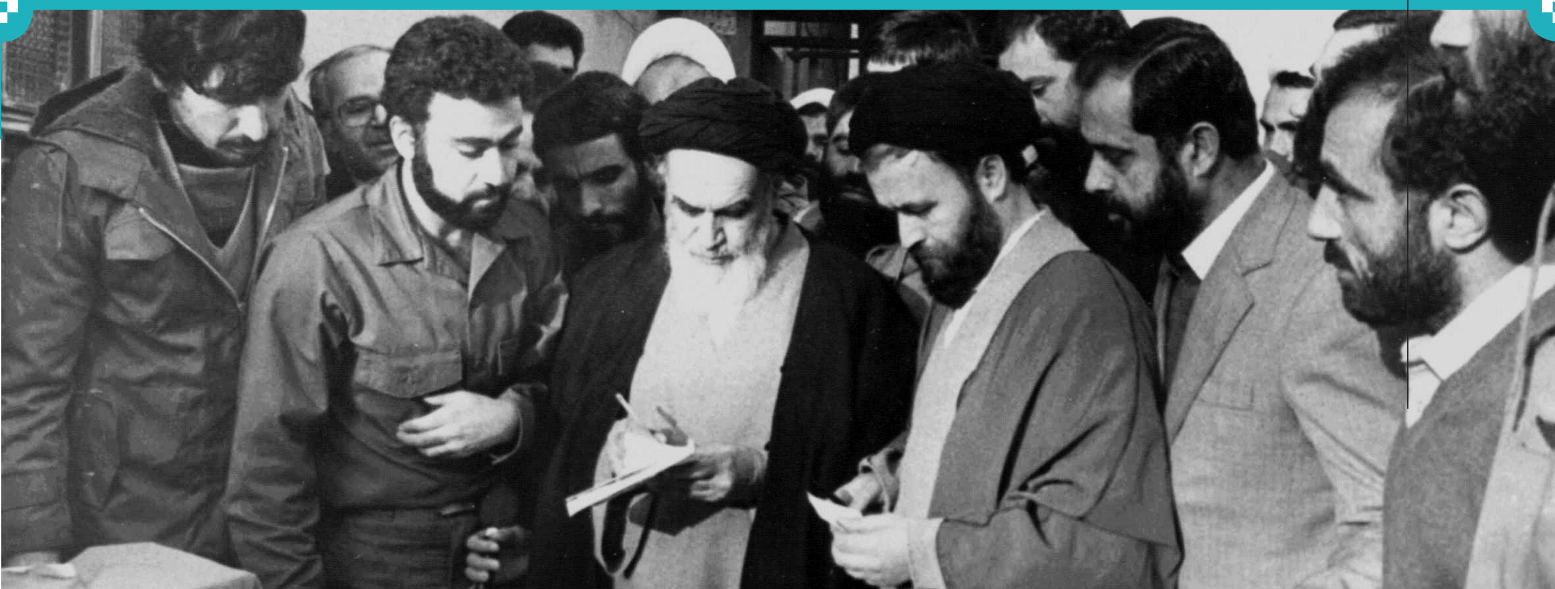
افراد زیادی از حضرت امام و شخصیت ایشان صحبت کرده‌اند و بر حق هم گفته‌اند اما من خودم را لایق نمی‌دانم که شخصیت ایشان را تحلیل کنم و فقط زبان گویای کرامات و بزرگواری‌هایی هستم که از ایشان دیده‌ام و بر زبان و وجود جاری است... ایشان انقدر با صلابت و بی‌تعارف و مسلط بر اوضاع و احوال جامعه و مردم بودند که از عمق اطلاعات کافی و آینده‌نگری به مسائل نگاه می‌کردند مثلاً روزی در مجلس آشوبی به پا شده بود که امام فرمودند: «مگر بر سر ارثیه پدری تان جنگ می‌کنید، من هر چه به هر کسی داده‌ام از او می‌گیرم» و بعد از این بود که مخالفت‌ها ساکت شد و نمایندگان معذرت خواستند. هم چنین چند خاطره از ایشان به خاطر دارم که خصوصاً برای نسل جوان بسیار می‌تواند مفید و جذاب باشد..

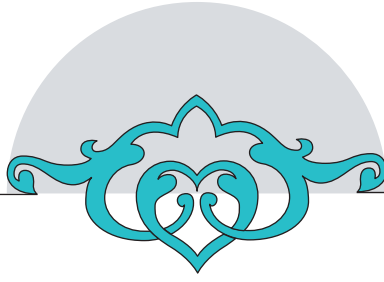
به یاد دارم که روزی قرار بود مهندس بازرگان و آقای عرفات به دیدار امام بیایند و من نیز طبق معمول میهمانان را از میدان جماران تا بیت امام همراهی می‌کردم که در مسیر و در میان ازدحام مردم با دیدن این دو شخص شروع به دادن شعارهایی تحت عنوان مرگ بر سیاست دوگانه، مرگ بر بازرگان و... بعد‌ها به خدمت امام رسید که مردم چه شعارهایی می‌دادند که امام با لیخندی فرمودند: «حق با مردم است، هر چه می‌گویند درست است..»

ایشان بسیار بسیار مقید به حقوق مردم بودند. خاطره ای از ایشان پسر آیت الله بجنوردی برای من بیان کرده‌اند که به خوبی هویدای توجه ایشان به مردم و حقوق شان است.. پسر آیت الله بجنوردی بیان می‌کردند که روزی از دفتر امام، حاج احمد آقا با پدرم تماس گرفته و خواستار حضور فوری ایشان در بیت رهبری شدند. ایشان هم سریعاً خود را رسانده بودند که امام از ایشان خواسته بود ماجرای شکایتی که از ایشان در جنوب کشور شده است را پیگیری کنند. که ماجرا بر این قرار بوده است که مردی خانه

اش بر اثر بمباران رژیم صدام خراب شده بود و او امام را مقصر میدانست و از ایشان شکایت کرده بود اما دادستان آن شهر قبول نکرده بود که امام از این بابت بسیار ناراحت شده بودند و دستور داده بودند که هر اقدامی که لازم است صورت بگیرد و فقط رضایت قلبی آن فرد جلب شود. امام همواره با مردم بود و هیچ وقت خود را از آنها دور نمی‌دانستند در این خصوص هم چنین در ایام جنگ بود که به یاد دارم در کنار آقای انصاری در بیت رهبری بودیم که ناگهان رادیو هشدار داد که هواپیماهای جنگی نزدیک می‌شوند. آن زمان در کنار بیت امام، خانه‌ای ضد بمب و گلوله ساخته بودند که در مواقع بمباران امام به آنجا بروند و در امان باشند. به همین جهت آقای انصاری اصرار کردند که به آنجا برویم اما امام نپذیرفتند و گفتند: «مگر خون من از خون بقیه مردم رنگین تر است..» ایشان تا زمانی که در قید حیات بودند، از خانه شان خارج نشدند و در تمام مواقع بمباران و در منزل خویش بودند. از دیگر ویژگی بارز شخصیتی ایشان نظم و برنامه ریزی شان بود. به طوری که مثلاً کاملاً مشخص بود که ایشان راس ساعت ۴ صبح، یک ساعت قبل اذان صبح بیدار می‌شدند و مشغول عبادات و نماز شب بودند یا بسیار به غسل جمعه مقید بودند و حتی در اوج کار شان هم آن را به جا می‌آوردند.

در صحبت‌های امام فقط اخلاص، اخلاص، اخلاص و بی‌تکلفی است و همین یکرنگی و صداقت شان باعث جذب مردم می‌شد و او را دوست می‌داشتند و سراپا گوش فرامین این ابر مرد تاریخ بودند. عزیزانم خطاب به شما جوانان متعهد انقلابی و حتی شمایی که شناخت کافی ندارید می‌گویم کتابهای حضرت امام خصوصاً صحیفه نور را مطالعه کنید و به سخنان و فرمایشات ایشان خطاب به مسئولین کشوری، کسبه و... گوش کنید که راهگشای مسائل زندگی تان است. ما هرگز شخصیتی به این عظمت نخواهیم داشت قدردان این نعمت بزرگ الهی باشیم..





استکبار ستیزی از جمله محکومات اندیشه امام (ره)



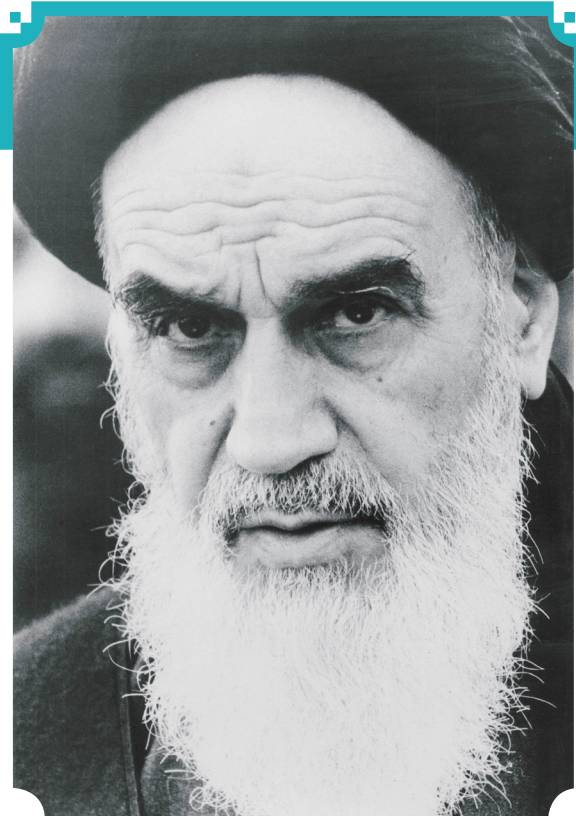
حجت الاسلام والمسلمین
غلامرضا مصباحی مقدم

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

کاری کنیم همه ملت های محروم و مستضعف جهان نجات پیدا کنند؛ و منحصر به مسلمین هم نیست. رهبر معظم انقلاب در یکی از سالگردهای ارتحال حضرت امام در مورد اصول اندیشه و محکومات نظریات امام سخنرانی بسیار پر معنا و پر مطلبی کردند و خاطریم هست که حدود ۱۴ بند بیان فرمودند و انصافا باید گفت ایشان مفسر بسیار دقیق و عمیق

حضرت امام بسیار زیبا بیان کرده اند که وحدت در اصول مراد است و لازمه رشد و پیشرفت در تفکر، و همچنین در مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این است که این اختلافات باشد. نفس اختلافات پذیرفته و مطلوب است و تشبیه کرده اند به اتفاقی که در طول تاریخ برای اجتهاد رخ داده و هر کدام از مجتهدین، با استفاده از اصول و مبانی مشترک، به اجتهاد پرداخته اند و این اختلاف نظرها منشأ رشد و پیشرفت فکر ما شده است. یکی از نکات خیلی مهم بحث باز بودن باب اجتهاد است؛ بر خلاف برخی از فرقه ها که به انسداد باب اجتهاد رسیده اند و به نوعی اجتهاد را متوقف کرده اند. البته در دهه های اخیر عدول از آن موضع هم مشاهده می شود. اما قرن ها این مسأله برای آنها مطرح بود. ولی شیعه باب اجتهاد را مفتوح نگه داشته و همین باعث شده حضرت امام نوآوری های فراوانی را ارائه کنند. انصافا تا قبل از اینکه امام این نوآوری ها را ارائه کنند ما کمتر شاهد یک چنین تغییرات و تحولاتی در فقه شیعه بودیم.

نگاه امام کاملا اسلامی، به معنای همه فرقه های اسلام، است و می خواهند همه را بسیج کنند و بلکه فراتر از این، شراغ ملت های مستضعف و محروم بروند و این در قانون اساسی ما هم می آید که



دیدگاه‌های حضرت امام هستند. به نظرم می‌آید جا دارد به محکمت‌اندیشه امام برگردیم و روی آنها کار کنیم و این محکمت‌ها را انتشار بدهیم. از جمله این محکمت‌ها مسأله «دشمن‌شناسی» و «استکبار ستیزی» است که گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد و گاهی اختلافات داخلی موجب تضعیف این دشمن‌شناسی و هوشیاری در مقابل دشمن و گاهی موجب نفوذ دشمن در صفوف خودی می‌شود. یعنی به گونه‌ای می‌شود که متأسفانه می‌بینیم مرزها به هم می‌ریزد و می‌شود گفت که اختلافات در داخل عمیق می‌شود. این یکی از نکاتی است که در بیانات رهبر معظم انقلاب در فهم مکتب امام خمینی(ره) مطرح است.

حقیقتاً آزادی‌اندیشه و آزادی مردم یکی از نکاتی است که منشأ رشد و تعالی انسان‌ها می‌شود. اگر بنا باشد افکار و اندیشه‌ها را در یک سری مسائل کلیشه‌ای محصور کنیم یقین بدانیم حاصلی جز عقبگرد نخواهد داشت. ما حرف آخر از ناحیه صاحب نظران و متفکران نداریم. بلکه باب اجتهاد گشوده است، نه منحصر اجتهاد در فقه، بلکه مسائل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مناسبات ملی و بین‌المللی همه جایگاه تفکر و اجتهاد را دارد.

قبول کنیم که ما نیازمند یک محور قاطع وحدت هم هستیم؛ آن محور قاطع وحدت، رهنمودهای حضرت امام به علاوه مبانی دینی و وجود رهبر معظم انقلاب است که شاگرد

ویژه حضرت امام و واقعا باید گفت وارث اندیشه‌های امام و وارث جایگاه حضرت امام در مدیریت و رهبری کشور هستند و این ۳۰ و چند سالی که ایشان این

رهبری را داشته‌اند، ما را از بحران‌های بزرگی عبور داده‌اند.

اگر چنین رهبری مقتدر و با تدبیر و عزت نبود قطعا ما نمی‌توانستیم در برابر این بحران‌ها که از داخل و خارج هجوم آورد مقاومت کنیم و یک کشور مقتدر و عزیز و یک ملت بزرگ به وجود بیاید و تأثیرگذاری در منطقه و جهان را ما امروز شاهد باشیم.





ناهادیران

ره‌هاورد

جشنواره دوسالانه فرهنگی، هنری و ادبی
دانشجویان ایرانی خارج از کشور

شرایط شرکت در جشنواره

- هر شرکت کننده می تواند آثار خود در قالب های شعر، داستان، خاطره و سفرنامه و عکس را در هر دو بخش آزاد و ویژه ارائه دهد و محدودیتی از این لحاظ برای شرکت کنندگان وجود ندارد.

- اشعار، داستان ها و خاطرات و سفرنامه ها، بایستی به صورت تایپ شده در نرم افزار WORD، به دبیرخانه جشنواره ارسال گردد.

- بخش عکاسی به صورت تک عکس برگزار می شود و هر شرکت کننده می تواند تا 5 عکس را در هر بخش (آزاد و ویژه) ارائه دهد. شرکت کنندگان در بخش عکاسی حرفه ای می بایست آثار خود را با حداقل حجم فایل MB4 و حداکثر MB5 با رزولوشن DPI300 با فرمت JPEG و مود RGB در سایت بارگذاری نمایند.

- شرکت کنندگان در بخش تلفن همراه می بایست آثار خود را با حداقل حجم فایل MB2 و حداکثر MB3 با فرمت JPEG و مود RGB در سایت بارگذاری نمایند.

- ارسال اثر توسط هنرمندان و شرکت در این برنامه، به منزله اعلام مالکیت معنوی این آثار توسط آنهاست. لذا در صورت اثبات خلاف این امر در هر مرحله ای، اثر ارسالی حذف شده و ارسال کننده، پاسخگوی کلیه پیامدهای قانونی آن خواهد بود و برگزارکننده، مسئولیتی در قبال چنین عملکردی از سوی ارسال کنندگان نخواهد داشت.

- آثار ارسالی نباید در سایر مسابقات و جشنواره ها ارائه و یا قبلاً جایی چاپ شده باشند.

- مجموعه آثار برگزیده در قالب کتابی از سوی این نهاد منتشر خواهند شد.

- آثار برگزیده بخش عکاسی، بر اساس برنامه ریزی دبیرخانه با درج نام عکاس، در کشورهای مختلف به نمایش گذاشته خواهد شد.

- به کلیه پذیرفته شدگان در جشنواره، گواهی شرکت و یک جلد کتاب آثار برگزیده از سوی دبیرخانه اهداء می گردد.

زمان بندی جشنواره

- آخرین مهلت ارسال آثار: ۳۰ دی ماه ۱۴۰۲
- اعلام نتایج داوری آثار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲
- اعلام نتایج برگزیدگان جشنواره: متعاقباً اعلام خواهد شد.

جوایز برگزیدگان

بخش آزاد:

- رتبه اول: تندیس و لوح تقدیر جشنواره، به همراه جایزه نقدی برگزیده رتبه اول
- رتبه دوم: تندیس و لوح تقدیر جشنواره، به همراه جایزه نقدی برگزیده رتبه دوم
- رتبه سوم: تندیس و لوح تقدیر جشنواره، به همراه جایزه نقدی برگزیده رتبه سوم
- آثار برگزیده جهت چاپ در کتاب یا ارائه در قالب نمایشگاه: لوح تقدیر به همراه جایزه نقدی

بخش ویژه:

- رتبه اول: تندیس و لوح تقدیر جشنواره، به همراه جایزه نقدی برگزیده رتبه اول
- رتبه دوم: تندیس و لوح تقدیر جشنواره، به همراه جایزه نقدی برگزیده رتبه دوم
- رتبه سوم: تندیس و لوح تقدیر جشنواره، به همراه جایزه نقدی برگزیده رتبه سوم
- آثار برگزیده جهت چاپ در کتاب: لوح تقدیر به همراه جایزه نقدی

آدرس دبیرخانه جشنواره

تهران، میدان پاستور، خیابان پاستور شرقی، نبش کوچه آقا عبداللہی (سلامت)، پلاک 8
تلفن تماس: 2-98 21 6697001
رایانامه ستاد جشنواره: PAJOOHESHI@NAHADIRAN.IR

علاقه مندان بایستی با مراجعه به پایگاه اینترنتی جشنواره به آدرس nahadiran.ir/rahavard آثار خود را از طریق سامانه مربوطه برای دبیرخانه ارسال نموده و کد رهگیری دریافت نمایند؛ عدم دریافت کد رهگیری از سامانه، به منزله عدم ثبت و ارسال تلقی می گردد.

نحوه ارسال آثار





امام بزرگوار روح جمهوری اسلامی است.

اگر این روح از جمهوری اسلامی گرفته بشود
نقشی بر دیوار باقی خواهد ماند.

آن دست قدرتمند، آن شخصیت پولادین، آن دل
مطمئن، آن زبان ذوالفقار گونه که توانست میلیون
ها انسان را وارد میدان کند، ناامیدی را از آن‌ها دور
کند، جهت حرکت را به این‌ها تعلیم بدهد، عبارت
بود از خمینی عظیم.

بیانات رهبر معظم انقلاب در مراسم سی و
سومین سالگرد رحلت امام خمینی (قدس سره)

۱۴۰۱/۳/۱۴

